



شوهر بدبین همسرش را به دادگاه کشاند

مرد جوان گوشه‌ای از راهروی دادگاه خانواده کنار دختری زیبا نشسته و مدام زیر لب با خودش حرف می‌زد. هر دو خیلی کم سن و سال بودند اما از سر و وضعشان معلوم بود وضع مالی خوبی دارند. گاهی هم زیرچشمی نگاهی خشمگین به دختر جوان که همسرش بود می‌انداخت و انگار او را به خاطر گناهی که مرتکب شده بود مواخذه می‌کرد اما به نظر می‌رسید برای زن جوان این رفتار شوهرش عادی بود و چندان توجهی نداشت و منتظربود تا منشی شعبه آنها را صدا کند و هر چه زودتر به پرونده طلاقشان رسیدگی شود.

دقایقی بعد نوبت آنها فرا رسید و هر دو وارد شعبه دادگاه شدند. قاضی میانسال و با تجربه در حال مطالعه پرونده بود، بعد روبه مرد جوان کرد و گفت: من پرونده شما را نگاه کردم بر چه اساسی به همسرت اتهام خیانت زده‌ای؟ می‌دانی اگر مدرک مستند و معتبری برای اثبات این اتهام نداشته باشی مرتکب جرم شده ای؟

مهران من من کتان گفت: آقای قاضی من از همسرم چیزی ندیدم‌ام اما رفتارش و توجه دیگران به او، نشان می‌دهد که به من خیانت می‌کند. قاضی که از حرف‌های این مرد تعجب کرده بود از همسرش سحر خواست تا بیشتر برایش توضیح دهد.

سحر گفت: جناب قاضی ازدواج ما کاملاً سنتی بود، من هیچ شناختی از مهران نداشتم و الان حدود ۷ ماه است که زیر یک سقف زندگی می‌کنیم اما تمام این مدت زندگی را برایم جهنم کرده است مدام به من نهمت می‌زند که تو با کسی ارتباط پنهانی داری و به من خیانت می‌کنی. من جرأت ندارم تنها از خانه خودمان که نزدیک خانه پدرم است به آنجا بروم به من می‌گوید همه تو را نگاه می‌کنند.

سحر ادامه داد و گفت: جناب قاضی شوهرم بیمار است مگر من چقدر تحمل و صبر دارم، همسر مدام به من نهمت خیانت می‌زند من واقعا خسته شدم همش مرا تهدید می‌کند، حق ندارم تنها جایی بروم. تلفن همراهم را گرفته و اجازه نمی‌دهد برای خودم خرید کنم.

مهران پس از این صحبت‌ها گفت: من تو را دوست دارم اگر می‌گویم تنها بیرون برو به‌خاطر این است که می‌بادا کسی به تو حرفی بزند وگرنه من به تو اعتماد دارم اما تو تنها نباید جایی بروی من دوست ندارم تو موبایل داشته باشی هر چی می‌خواهی خودم برایت تهیه می‌کنم .

قاضی گفت: پسرم این حرف‌های تو منطقی نیست تو باید این فکر اشتباه خود را تغییر بدهی...

سحر گفت: جناب قاضی من دیگر نمی‌توانم تحمل کنم انگار زندانی و اسیر هستم فقط طلاق می‌خواهم چون خودم هم دارم بیمار می‌شوم. مهران به من اعتماد ندارد و مدام به من نهمت خیانت می‌زند. خانواده مهران می‌دانستند پسرشان بدبین و بد گمان است، این رفتارها را در اوایل عقد هم داشت اما من توجه نکردم، اول فکر می‌کردم این رفتارها به‌خاطر دوست داشتن زیادی او است اما بعد از عروسی که دیدم حتی اجازه خرید یک نان را هم به من نمی‌دهد، اجازه نمی‌دهد من خانه پدر و مادرم بروم حتی من یک گوشی موبایل ندارم و... متوجه شدم او بیمار و بدبین است و من با فرد بدبین نمی‌توانم زندگی کنم.قاضی پس از شنیدن صحبت‌های طرفین از آنها خواست ۲ ماه پیش مشاوره بروند و پس از آن اگر مشکل شان حل نشد آن وقت حکم طلاق را صادر کند.

■ **امیرحسین صفدری / کارشناس حوزه حقوق خانواده** نخستین گام برای یک زندگی سالم و موفق اعتماد زوجین به همدیگر است. زندگی مشترک بدون اعتماد، صداقت، تعهد و... معنایی ندارد.

در این پرونده مهران دچار اختلال پارانوئید یا همان بدبینی و بددلی است و فکر می‌کند از طرف دیگران به او صدمه وارد می‌شود و دیگران به او خیانت می‌کنند و قصد آسیب زدن به او را دارند.

این اختلال قابل درمان است به شرطی که خود بیمار بخواهد این بیماری درمان شود. مهران باید این دیدگاه‌های منفی را از ذهن خود بیرون کند و به همسرش اعتماد کند، اگر سحر کاری کرده بود که مهران را به خود مشکوک کند شاید می‌شد گفت علت بدبینی او به‌خاطر رفتار سحر است اما او بدون هیچ کاری مدام مورد اتهام قرار می‌گیرد.

مهران باید بداند معنای دوست داشتن محدود کردن نیست. یک زوج باید به هم آرامش بدهند نه این که آرامش را از هم بگیرند یا این حال اگر مهران فکرش را تغییر بدهد می‌تواند این زندگی را دوباره احیا کند و مانع جدایی خود شود.

نجات دختر جوان از چاه ۵ متری

گروه حوادث/ نشست زمین کف آشپزخانه، منجر به سقوط دختری جوان به چاه ۵ متری شد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، مرکز اصفهان؛ روح‌الله فدایی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کاشان

گفت: روز گذشته خبر فروکش کردن کف یک ساختمان در خیابان رسالت به سامانه ۱۲۵ اعلام و آتش‌نشنان ایستگاه ۴ به محل حادثه اعزام شدند. امدادگران به محض رسیدن به محل حادثه دریافتند محل نشست زمین در آشپزخانه بوده و دختر جوان به داخل چاه افتاده است، بنابراین بلافاصله دیواره‌های حفره ایجاد شده که امکان ریزش مجدد داشت را ایمن‌سازی کردند و با استفاده از تجهیزات مخصوص، دختر جوان را سالم از چاه خارج کردند. وی ضمن توصیه به شهروندان گفت: فرسودگی چاه‌ها بر اثر شیب نامناسب، سستی خاک و گرفتگی لوله‌های فاضلاب باعث ریزش چاه فاضلاب و نشست آن می‌شود.

همسر کشی پایان ۵۰ سال زندگی مشترک

است از آنجا که مادرم بیماری تیروئید داشت با عجله خودم را به خانه آنها رساندم. پدرم گفت که او ناگهان حالش بد شده و در آشپزخانه روی زمین افتاده و به اورژانس زنگ زده است.

با توجه به اینکه احتمال وقوع قتل در این پرونده زیاد بود بازپرس به بازجویی از همسر وی پرداخت. مرد ۷۴ ساله که به شدت مضطرب و آشفته بود سعی داشت با تناقض گویی مسیر تحقیقات را منحرف کند اما بازپرس با دیدن آثار جراحی روی بدن او متوجه شد بین او و مقتول درگیری رخ داده است. بدبین ترتیب مظنون پرونده دقایقی بعد لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش اعتراف کرد.

مرد سالخورده گفت: من بازنشسته یکی از اداره‌های دولتی هستم و یک سوپر مارکت هم دارم. من و همسرم ۵۰سال با هم زندگی کردیم اما او اخلاق خوبی نداشت و زن تند خوبی بود. این اواخر هم به خاطر نگهداری

از مادر ۹۰ ساله‌ام مدام غرمی‌زد، البته مادرم در طبقه بالای خانه ما زندگی می‌کرد و من خودم سعی می‌کردم کارهایش را انجام دهم و از او نگهداری می‌کردم. اما همسرم با مادر پیرو زمینگیرم خیلی بد رفتاری می‌کرد.

سعی می‌کردم این رفتارها را تحمل کنم بیشتر اوقات در سوپر مارکتم مشغول بودم اما دیگر کاسه صبرم لبریز شده بود.

صبح حدود ساعت ۹ بود که به خانه آمدم تا به مادرم سر بزنم اما همسرم دوباره شروع به غر زدن کرد. او بارها به مادرم که دیگر توانایی راه رفتن نداشت توهین کرد. وقتی می‌دید من به مادرم کمک می‌کنم یا من هم رفتار بدی داشتم. این موضوع پشت اذیتم می‌کرد. تصمیم گرفتم به این غر زدن‌ها پایان بدهم. به همین خاطر در یک لحظه او را گرفتم و به زمین انداختم با هم درگیر شدیم بعد هم دستانم را دور گردنش انداختم و خفه‌اش کردم.

سرهنگ محمد نادر بیگی رئیس پلیس استان البرز با تأیید این خبر گفت: این مرد ۷۴ ساله پس از قتل همسرش پشیمان شده و بلافاصله با دخترش و اورژانس تماس گرفته بود اما وقتی امدادگران رسیدند زن میانسال جان باخته بود پس از بازجویی‌های اولیه متهم با‌دانشت شد و برای تحقیقات بیشتر در اختیار اداره

آگاهی قرار گرفته است.

■ **نگاه کارشناس**
■ **بازپرس محمد عنبری**

در جنایت‌های خانوادگی نکته‌ای وجود دارد که به آن توجه نمی‌شود، آن هم رفتارهای کینه چویانه است که حاصل گذشته‌های دور بوده و متأسفانه اغلب افراد با گذشت زمان نه تنها این

آگاهی قرار گرفته است.



در هر سرقت از ۱۰۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون تومان طلا و دلار و وسایل با ارزش سرقت می‌کردم. حتی در یکی از سرقت‌هایم سرویس جواهر بریلانی سرقت کردم. هر چیزی سرقت می‌کردم، به اشکان می‌دادم. به دنبال اظهارات دختر جوان، اشکان نیز بازداشت شد. پسر جوان به سرقت‌هایش اتراف کرد و گفت: در مرکز پرستاری که کار می‌کردم پول هم سرقت می‌کردم. زمانی که ماجرای سرقت‌هایم برملا شد، مرا اخراج کردند. من هم کینه آنها را به دل گرفتم و تصمیم گرفتم با این کار شرکت را بدنام کنم.

با اعتراف دختر و پسر جوان به دستور قاضی باقری از شعبه دوم دادپاری دادسرای ویژه سرقت، تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.



و با گلدان او را به قتل رساندم. با اعتراف پیرمرد به جنایت به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد. بازپرس جنایی دستور شناسایی خانواده مقتول و همچنین انتقال متهم به پزشکی قانونی برای بررسی صحت روانی او را صادر کرد.

جنایتی که مرتکب شده بود گفت: ارسلان از اقوام دورمان بود. از آنجایی که تنها بود و جایی برای زندگی نداشت، حدود دو سال قبل از او خواستم به خانه من بیاید و ما با زندگی کنند. این طوری هم من تنها نبودم و هم او جایی برای زندگی داشت. او در حقیقت از من نگهداری و پرستاری می‌کرد اما مدتی بود که اخلاقتش تغییر کرده بود و مدام مرا تهدید می‌کرد و می‌گفت مرا می‌کشد. نمی‌دانستم چرا این همه تغییر رفتار و اخلاق داده بود، تا اینکه دیروز عصر حرفی زد که مرا به ترس انداخت.

پیرمرد گفت: ساعت حدود ۷ شب بود که به من گفت می‌خواهد ۵ نفر را به قتل برساند. ترسیدم و او خودم گفتم یکی از افرادی که می‌خواهد بکشد من هستم. به همین دلیل، شب که خوابید حدود ساعت ۳ صبح بود بالای سرش در پشت بام رفتم

جنایت شبانه روی پشت بام

گروه حوادث/ پیرمرد بیمار که فکر می‌کرد پرستارش می‌خواهد او را بکشد با یک گلدان مرد میانسال را در خواب کشت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ صبح جمعه یک مرداد مرد جوانی مثل هر روز برای سرزدن به پدرزنش وارد خانه او شد. اما با مشاهده حال آشفته و ظاهر به هم ریخته وی و لکه‌های خون روی لباسش نگران شد و از او پرسید چه اتفاقی افتاده است. مرد ۸۶ ساله که حال خوبی نداشت به دامادش پاسخی داد که باور کردنش سخت بود.

هاشم که صدایش می‌لرزید گفت: ارسلان را کشتم. جسدش روی پشت بام است.

مرد جوان که باورش نمی‌شد پدرزنش پرستار خود را کشته باشد وقتی مطمئن

کینه و خاطرات بد را فراموش نمی‌کنند بلکه آنقدر آن را با خود نگه می‌دارند که تبدیل به نفرت می‌شود، به‌عنوان مثال شاید این عروس در سال های جوانی شاهد رفتار نامناسب مادر شوهرش با خود بوده و حالا که مادرشوهر زمینگیر شده و به کمک او نیاز پیدا کرده او با اشتباه بزرگ‌تری به جای گذشت و بخشش تصمیم به تلافی و بد رفتاری گرفته است، غافل از آنکه همه ما روزی پیر خواهیم شد و نیازمند کمک اطرافیان خواهیم بود، هر چند نگرش افراد به زندگی متفاوت است و برخی جواب بی‌محبتی را با محبت می‌دهند اما برخی افراد نمی‌توانند کینه و دشمنی‌های گذشته را فراموش کنند. بی‌تردید حس انتقام، انسان را از درک عقلانیت دور می‌سازد و او را بیمار می‌کند، درحالی‌که حس بخشش و محبت خالصانه انسان را سرزنده کرده و روح بزرگ منشی را به او هدیه می‌دهد.

احترام به بزرگترها همیشه در فرهنگ ما ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد. قرار نیست بدی را با بدی پاسخ دهیم. کینه ورزی مانع تصمیم‌گیری درست می‌شود، در حالی‌که گذشت و بخشش سرمایه‌ای است که افراد برای آینده خود پس‌انداز می‌کنند.

در این پرونده شوهر مقتول نیز می‌توانست با کمی تدبیر ارتباط خوبی میان همسر و مادر پیرش برقرار کند و به جای اینکه با رفتارش باعث تحریک حس حسادت همسرش شود با محبت و خوش رفتاری کاری می‌کرد که همسرش نیز در احترام به مادر شوهر پیرش و کمک به وی پیشقدم می‌شد و این جنایت تاح رقم نمی‌خورد.

مرگ کمک‌راننده در واژگونی اتوبوس

گروه حوادث/ واژگونی اتوبوس تهران - یزد در جاده بادرود منجر به مرگ کمک راننده شد.

سرهنگ اصغر زارع، رئیس پلیس راه استان اصفهان گفت: این حادثه ساعت چهار باامداد شنبه به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در هشت کیلومتری ورودی بادرود منطقه ترکل در آزادراه کاشان - نطنز گزارش شد و کمک راننده اتوبوس در این حادثه جان باخته است.

وی با بیان اینکه در این حادثه اتوبوس مسافبری تهران - یزد واژگون شده است، اضافه کرد: این اتوبوس هیچ مسافری نداشته و همه سرنشینان آن کارکنان شرکت اتوبوس بوده‌اند که سه سرنشین دیگر نیز مصدوم شده‌اند.

وی با بیان اینکه علت این حادثه هنوز مشخص نیست، ابراز داشت: کارشناسان در حال بررسی صحنه تصادف هستند.

حسنعلی صالحیان، مسئول فوریت‌های پزشکی نطنز نیز گفت: ساعت ۵۶ و ۳ دقیقه باامداد شنبه یک دستگاه اتوبوس که از تهران عازم یزد بود بر اثر انحراف از جاده و برخورد با گاردیل واژگون شد و مردی ۷۰ ساله بر اثر شدت جراحات‌ها در دم جان باخت و سه سرنشین دیگر مصدوم شدند.

صالحیان افزود: مصدومان حادثه پس از انجام اقدام‌های اولیه از سوی عوامل اورژانس و امدادگران پایگاه هلال احمر به بیمارستان قاطعیه بادرود منتقل شدند.

غرق شدن مرد ماهیگیر

گروه حوادث/ پیکر مرد ماهیگیر که در اسکله جلایی بوشهر غرق شده بود، با تلاش امدادگران

از آب گرفته شد. به گزارش خبرگزاری صداوسیما، مرکز بوشهر، اسماعیل چله‌زاده، رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان بوشهر گفت: صبح دیروز خانواده مردی در تماس با مرکز پاسخگویی به حوادث ۱۱۲ جمعیت هلال احمر استان بوشهر مدعی شدند پدر خانواده جمعه شب برای ماهیگیری به اسکله رفته اما دیگر برگشته بود که بلافاصله تیم عملیات پایگاه ساحلی جلایی برای ارزیابی به محل حادثه اعزام شد. با حضور نیروهای امداد و نجات و افراد محلی عملیات جست‌وجو با شدت بیشتری ادامه یافت و در ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح شنبه پیکر فرد فوت شده از آب گرفته و برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان بوشهر عنوان کرد: در این عملیات نیروهای انتظامی و دریابانی با امدادگران هلال احمر همکاری لازم را داشتند.